

یک بام و دو هوای سیاست فرانسه در ایران

با وجودی که مقامات سیاسی فرانسوی از ابتدای آشنایی خود با ایران زمین روابط نسبتاً گرمی با دربار و دولت‌های ایران داشتند و همانند دول استعمارگر انگلیس و روسیه، ایران را به اشغال نظامی درنیاموردند اما از بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و اعلام سیاست خارجی نه شرقی نه غربی، رنگ عوض کردند و به تاسی از مقامات ایالات متحده، سیاست‌های غیر دوستانه‌ای علیه ملت و دولت ایران به کار بستند با این حال در این رفتار هم ثابت نماندند و نیم‌نگاهی به بهبود روابط دیپلماتیک با ایران داشته‌اند.

به گزارش سایت خبری پرسون، امروز ۳۰ فروردین ماه سی و پنجمین سالروز از سرگیری روابط دیپلماتیک ایران و فرانسه در سال ۱۳۶۷ است.

فرانسه کشوری با یک سوم وسعت سرزمینی و ۲۰ میلیون نفر کمتر از جمعیت ایران، در غرب قاره اروپا قرار دارد. این کشور کنترل بخش جنوبی یکی از مهمترین شاهراه‌های آبی جهان به نام کانال مانش را در اختیار دارد. این کشور از شمال و غرب در محاصره دریای شمال، دریای مدیترانه و اقیانوس اطلس است و همین مسئله موجب توسعه این کشور در حمل و نقل دریایی و تبدیل شدن به دومین قدرت دریایی پیشرفته در این قاره است.

فرانسه عهد صفوی

همزمان با افزایش سفرهای تجار و بازرگانان اروپایی به مشرق زمین، بازرگانان و سیاستمداران فرانسوی نیز همچون مقامات انگلیس، بلژیک، اتریش و آلمان از صدها سال قبل راه خاورمیانه و ایران را در پیش گرفتند و با مقامات سیاسی و اقتصادی وقت کشورمان طرح دوستی ریختند که البته این روابط در طول تاریخ با فراز و فرودهای فراوانی روبرو بود.

در زمان صفویه گردشگران فرانسوی با سفر به ایران و پس از بازگشت به کشورشان دیده‌های‌شان از ایران و مهمان‌نوازی مردم آن دیار را به اطلاع سایر هموطنان‌شان رساندند و بدین نحو بر تعداد سفرهای گردشگری و سیاسی به ایران افزودند.

اولین قرارداد سیاسی بین ایران و فرانسه نیز در دوران حکومت صفویان بر ایران و در دوره سلطنت شاه سلطان حسین در ایران و دوره پادشاهی لوئی چهاردهم در فرانسه امضا شد.

فتحعلی خان صدراعظم وقت ایران و میشل رایزن فرانسه در عثمانی که به ایران سفر کرده بود در شهریور ۱۰۸۷ پیمان بازرگانی و اقامت و دریانوردی بین دولتین ایران و فرانسه را امضا کردند. بر اساس این پیمان که یک ماده و ۳۱ تبصره داشت، امتیازات ویژه‌ای به طرف فرانسوی داده شد. مفاد این پیمان شباهت زیادی به قانون قضاوت کنسولی معروف به قانون کاپیتولاسیون داشت.

بر اساس این پیمان رسیدگی به اختلافات بین دو فرانسوی در ایران بر عهده کنسول فرانسه بود و در صورت اختلاف بین شهروندان فرانسوی و ایرانی در خاک ایران، قاضی ایرانی مشروط به حضور کنسول فرانسه حق رسیدگی به اختلافات، تخلفات و جرائم را پیدا می‌کرد. طبق این قانون در صورت اختلاف فرانسویان با دیگر خارجی‌ان در ایران، دستگاه قضایی و قضات ایرانی حق دخالت نداشتند.

با سقوط سلسله صفوی روابط ایران و فرانسه به مدت ۶۰ سال متوقف شد. تا این‌که لویی شانزدهم در بهمن ۱۱۶۱ کنت دوفر به ایران فرستاد تا مانع اتحاد ایران، روسیه و اتریش شود و ایران را هم‌پیمان پادشاهی عثمانی کرد تا نیرویی قدرتمند در برابر دشمنی خونریز به نام امپراتوری روسیه به وجود آورد اما در آن زمان، جنگ‌های داخلی بعد از سقوط کریم خان زند در ایران به اوج رسیده بود و دوفر به نتوانست با ایران هیچ قراردادی امضا کند. شش سال بعد هم فرانسه درگیر انقلاب شد و باز هیچ ارتباطی بین ایران و فرانسه شکل نگرفت.

نقاشی دیدار نماینده صفویان با ناپلئون بناپارت در فرانسه

فرانسه در هفتمین سال انقلاب خود در بهمن ۱۱۷۴ دو نماینده به نام‌های برونو و الیویه را به ایران اعزام کرد. نمایندگان فرانسه در آخرین سال‌های سلطنت آغا محمد خان، بنیانگذار سلسله قاجار به ایران رسیدند. آنان نامه‌ای برای برقراری روابط تجاری و دوستانه از سفیر فرانسه در دربار عثمانی، به همراه داشتند که به حاجی ابراهیم‌خان اعتمادالدوله صدراعظم وقت آغا محمد خان تسلیم کردند و پاسخ او برای برقراری روابط مثبت بود.

دو سال بعد در سال ۱۱۷۶ زمانی که ناپلئون بناپارت با لشگریانش در مصر بود دومین نامه خود را به دربار آغا محمد خان فرستاد اما نامه زمانی به تهران رسید که شاه قاجار توسط خدمه‌اش به قتل رسیده بود و فتحعلی میرزا سرگرم سرکوب رقبا و مدعیان سلطنت و فراهم کردن مقدمات نشست بر تخت سلطنت بود به همین دلیل این نامه جواب درخور توجهی دریافت نکرد.

با این حال روابط ناپلئون و فتحعلی شاه بعد از پوشیدن لباس سلطنت به گرمی گرایید. فتحعلی شاه آذر ۱۱۸۲ در سفر به منطقه ایروان در صدد شورا دادن ارامنه این منطقه بر علیه تزارهای روس بود اما ارمنی‌های این منطقه از او خواستند با ناپلئون متحد شود. فتحعلی شاه نیز نامه‌ای به پادشاه فرانسه

نوشت و دو تاجر ارمنی را مامور بردن نامه محرمانه‌اش به دربار ناپلئون کرد. با موافقت ناپلئون، او نیز نامه‌ای برای فتحعلی شاه نوشت و از دومین شاه قاجار خواست علیه روس‌ها با فرانسه متحد شود که فتحعلی شاه نیز از این پیشنهاد استقبال کرد.

شاه جوان ایران پاسخ ناپلئون را از طریق مارشال برون سفیر فرانسه در عثمانی به دربار ناپلئون فرستاد. او در این نامه متذکر شد امضای قرارداد با ایران برای فرانسه هزینه دارد و هزینه آن لشکرکشی این کشور به هندوستان است که موجب قطع دست امپراتوری بریتانیا از هند و بقیه مستعمرات این کشور در قاره آسیاست.

پادشاه فرانسه بعد از دریافت نامه بی‌درنگ دو هیات به ایران فرستاد و به مارشال برون ماموریت داد تا برای قطع شریان امپراتوری انگلیس با دولت ایران وارد مذاکره شود. در پی مکاتبات ناپلئون و فتحعلی شاه عهدنامه فیکن‌اشتاین در ۱۶ ماده در چهارم می ۱۸۰۷ مصادف با ۱۳ اردیبهشت ۱۱۸۶ در لهستان به امضای میرزا محمدرضا خان قزوینی ملقب به بیگلر بیگی قزوین و هوگ برنار ماره وزیر مشاور در دولت فرانسه رسید. تجهیز و نوسازی ارتش ایران از نظر نیروی انسانی و تجهیزات جنگ‌افزاری از مفاد عهدنامه بود.

با اطلاع جاسوسان بریتانیا از عهدنامه فیکن‌اشتاین، دربار امپراتوری بریتانیا دست به کار شد و با فرستادن نماینده خود به دربار فتحعلی شاه پیمان مودت و بازرگانی بین ایران و بریتانیا را با ۲۳ ماده در دی ۱۱۸۶ با میرزا شفیعی‌خان مازندرانی صدراعظم وقت ایران امضا کرد.

این پیمان‌نامه در حالی به امضای صدراعظم وقت ایران رسید که شش ماه قبل‌تر پیمان صلحی به نام تیلسیت در تاریخ ۱۶ تیر ۱۱۸۶ بین ناپلئون بناپارت و تزار آلکساندر امپراتور وقت روسیه امضا شده بود. پیمان صلح فرانسه و روسیه توجهی به قرارداد ایران و فرانسه نداشت و همین مسئله موجب شد قوای روسیه به جبهه قفقاز اعزام شدند و علیه پادشاهی ایران و عثمانی جنگیدند و این ترتیب روابط گرم فرانسه و ایران به سردی گرایید.

قطع روابط دیپلماتیک ایران و فرانسه تا دوره سلطنت ناپلئون سوم ادامه یافت تا این‌که در سال ۱۲۳۴ و در دوره سلطنت ناصرالدین شاه سومین شاه قاجار هیاتی به سرپرستی شخصی به نام بوره به ایران اعزام شد. بوره عقدنامه تجارتي با میرزا آقا خان نوری صدراعظم وقت ناصرالدین شاه امضا کرد و یکی از اعضای هیات همراه خود را به نام کنت دوگوبینو به عنوان کاردار فرانسه در ایران منصوب کرد. بوره سه سال در ایران ماند و بعد از آن به فرانسه برگشت اما بار دیگر در سال ۱۲۴۰ در کسوت وزیر مختار فرانسه به ایران برگشت.

با نشستن ناپلئون سوم بر کرسی سلطنت و یک سال بعد از اعزام بوره به ایران، فرخ خان امین‌الملک غفاری در پاییز ۱۲۳۵ به نمایندگان از طرف دربار ناصرالدین شاه به فرانسه فرستاده شد تا ناپلئون سوم در امضای قرارداد صلح بین ایران و انگلیس میانجیگری کند. بعد از این اتفاق فرخ خان در پنجم بهمن ۱۸۵۷ سفارت ایران در پاریس را تاسیس کرد.

روابط دوستانه ایران و فرانسه بعد از سقوط ناپلئون سوم و اعلام جمهوریت در فرانسه همچنان ادامه یافت. ناصرالدین شاه سه بار به پاریس سفر حتی بعد از ترور ناصرالدین شاه، مظفالدین شاه هم دو بار به فرانسه سفر کرد. روابط دوستانه بین ایران و فرانسه در دوره پادشاهی این پدر و پسر به حدی گرم بود که بعد از تاسیس مدرسه دارالفنون توسط امیرکبیر، معلمان فرانسوی به ایران دعوت شدند و حتی محصلان ایرانی برای تحصیل به مدارس فرانسه اعزام شدند. زبان فرانسوی که در آن مقطع تاریخ زبان بین‌المللی بود اولین زبان خارجی بود که در مدارس ایران از جمله دو مدرسه پسرانه سن‌لویی و دخترانه ژاندارک که در سال ۱۲۷۸ در تهران تاسیس شدند، آموزش داده شد.

در سفر احمد شاه قاجار به فرانسه، مقامات این کشور مخالفت خود با قرارداد ۱۹۱۹ را به اطلاع شاه جوان ایران رساندند.

فرانسه جزو اولین کشورهایی بود که با الغای قراردادهای استعماری کشورهای اروپایی در سال ۱۳۰۷ و در دوره رضا شاه پهلوی موافقت کرد و روابط فرهنگی و اقتصادی را با ایران حفظ کرد.

روابط ایران با فرانسه در سال ۱۳۱۶ به دلیل انتشار مقاله‌ای توهین‌آمیز علیه رضا شاه پهلوی در یکی از روزنامه‌های فرانسه به مدت سه سال قطع شد و از آن سال تا سال تبعید آیت‌الله سید روح‌الله موسوی خمینی به روستای نوفل‌لوشاتو در دوره سلطنت محمدرضا شاه پهلوی در تاریخ ۱۷ مهر ۱۳۵۷ به سردی گرایید.

با میزبانی دولت فرانسه از رهبر محبوب ایران و قائل شدن آزادی‌های مدنی برای امام و یاران ایشان به نسبت تبعیدگاه ترکیه و عراق، جایگاه فرانسه را بار دیگر نزد مردم ایران بهبود قابل ملاحظه‌ای بخشید. طی چهار ماه حضور امام خمینی در خاک فرانسه افکار عمومی و روزنامه‌های فرانسوی با حمایت از انقلاب ایران نگاه خوبی به انقلاب ایران و رهبر آن داشتند حتی برخی مطبوعات فرانسه از جمله روزنامه لوموند در مقاله‌ای تحت عنوان «ما در حال گذراندن سال ۱۷۸۹ - سال انقلاب کبیر فرانسه - هستیم» انقلاب ایران را با انقلاب کبیر فرانسه مقایسه کرد.

رابطه فرانسه با جمهوری اسلامی

اوج روابط دوستی دو کشور و دو ملت فرانسه و ایران در دوره اقامت چهار ماهه امام خمینی در نوفل‌لوشاتو بود.

ژیسکاردستن، رییس جمهور وقت فرانسه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در مراسم استقبال از اولین سفیر دولت انقلابی ایران در کاخ الیزه، گفت: «هنگامی که یک ملت بخواهد سرنوشت خود را شخصاً در دست گیرد، هیچ دولتی حق ندارد مانع یا سدی برای چنین ملتی باشد، حتی اگر مقاصد این دولت ثالث خوب و صحیح باشد.

فرانسه طرفدار اصل استقلال ملتهاست و در عین حال دره‌ایش برای همکاری بین‌المللی و برای ترقی و صلح باز است.»

اما با پیروزی نظام جدید سیاسی در ایران و اعلام سیاست خارجی «نه شرقی، نه غربی»، نفی بی‌قید و شرط سلطه‌گری آمریکا و هم‌پیمانانش و حمایت ایران از جنبش‌های اسلامی و دوستی با دولت‌های حامی انقلاب اسلامی توسط امام خمینی، بار دیگر روابط دولت فرانسه با مقامات کشورمان به سردی و تیرگی گرایید.

این تیرگی زمانی به اوج رسید که دولت فرانسه به حمایت از سران رژیم پهلوی پرداخت و روند محاکمه آنان در دادگاه‌های انقلاب را زیر سوال برد. علاوه بر آن به شاپور بختیار آخرین نخست‌وزیر پهلوی و سید ابوالحسن بنی‌صدر اولین رئیس‌جمهور فراری ایران پناه داد و خاک فرانسه را پناهگاه مسعود رجوی و سازمان مجاهدین خلق ایران - منافقین - و سایر گروه‌های معاند و تروریست ضد انقلاب کرد.

تسخیر سفارت آمریکا در ایران در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و به گروگان گرفته شدن ۴۴۴ روزه دیپلمات‌های این کشور در ایران موجب تقلیل سطح روابط دیپلماتیک فرانسه به کاردار در تیر ۱۳۵۹ شد.

فسخ قراردادهای اتمی، نظامی و اقتصادی دولت ایران با شرکت‌های فرانسوی از یک سو و حمایت دولت وقت این کشور از تحریم‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا علیه ایران، روابط دیپلماتیک دو کشور را به دوران طولانی‌تری از سردی فرو برد.

فرانسه و رئیس‌جمهورش بعد از گذشت چند ماه از پیروزی انقلاب اسلامی، ساز مخالفت با مجازات سران رژیم پهلوی را کوک کرد. مقامات فرانسه با قبول درخواست پناهندگی شاپور بختیار، آخرین نخست‌وزیر رژیم پهلوی، امکان تبلیغات و اقدامات علیه جمهوری اسلامی را برای ضد انقلاب به وجود آورد.

تهاجم سراسری عراق به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ و حمایت تمام عیار نظامی و دیپلماتیک فرانسه از این تهاجم موجب تیره‌تر شدن روابط ایران و فرانسه شد.

محاصره سفارت ایران در فرانسه در تاریخ ۸ تیر ۱۳۶۶ و هدف گرفتن هشت فروند کشتی فرانسوی در خلیج فارس توسط ایران در ۲۲ تیر همان ماه موجب قطع کامل روابط دیپلماتیک دو کشور در ۲۶ تیر ۱۳۶۶ شد.

موضع‌گیری فرانسه در جنگ تحمیلی هشت ساله زمانی علنی شد که رژیم بعث عراق سیاست تجاوز و اشغال بخش‌های مهمی از خاک ایران را با حمایت کشورهای غربی در دستور کار قرار داد. این رژیم با وارد کردن خسارات قابل توجه به استان‌های جنوبی کشورمان ضربات اقتصادی و سیاسی مهمی به زیرساخت‌های کشورمان زد.

دولت فرانسه با جانبداری از رژیم متجاوز عراق، جنگ را موضوعی دو جانبه دانست و در ظاهر خواستار حل آن از طریق طرح در شورای امنیت سازمان ملل شد اما با پیشروی رزمندگان کشورمان و بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی در استان خوزستان، حمایت سران فرانسه از عراق آشکارتر شد.

میتران، رئیس‌جمهور وقت فرانسه به صراحت اعلام کرد: «ما حاضر به مغلوب شدن عراق در مقابل ایران نیستیم.»

فرانسه با حمایت نظامی از عراق و فروش هواپیماهای میراژ اف۱ به این کشور عملاً به رویارویی مستقیم با ایران پرداخت با این حال استقامت و دلیری رزمندگان ایران در جبهه‌های نبرد این کشور را به فکر عادی‌سازی روابط با ایران پس از پایان جنگ تحمیلی علیه ایران انداخت.

با این حال گستردگی تیرگی روابط دیپلماتیک ایران و فرانسه در آخرین ماه‌های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، در دولت میانه‌رو ژاک شیراک رو به افول گذاشت. ژاک شیراک در نخستین سخنرانی ریاست جمهوری خود از ایران به عنوان کشوری بزرگ یاد کرد و گفت: «هیچ‌گونه خصومتی با ایران ندارد.» این موضع‌گیری باعث به وجود آمد فضای گفت‌وگو بین مقامات سیاسی دو کشور شد.

در پی اظهارات شیراک، دو دیپلمات فرانسوی ماموریت یافتند شروط ایران و اختلافات مربوط به بازپرداخت وام یک میلیارد دلاری فرانسه به ایران را مورد بررسی قرار دهند. علاوه بر آن مقامات سیاسی فرانسه با کنار گذاشتن سیاست‌های مغرضانه و دولت ایران با جدا کردن حساب کشورهای اروپایی از حساب ایالات متحده آمریکا، رفته رفته موجب فرو نشاندن آتش زبانه‌کشیده اختلافات بین دو کشور شدند.

با مطرح شدن پایان جنگ ایران و عراق در سازمان ملل و صدور قطعنامه ۵۹۸ در شورای امنیت، روند برقراری مجدد روابط دیپلماتیک بین ایران و فرانسه نیز سرعت بیشتری گرفت و مقامات دو کشور در سی‌ام فروردین ۱۳۶۷ برای از سرگیری این روابط توافق کردند و با معرفی شدن سفرای دو کشور تبادل استوارنامه‌های سفرای ایران و فرانسه در تیر ۱۳۶۷ انجام شد و سفارتخانه‌های ایران و فرانسه بعد از هشت سال در کشورهای یکدیگر بازگشایی شد.

دولت‌های فرانسه از بعد از بازگشایی سفارت کشورشان در ایران، سیاست میانه‌ای را در روابط دیپلماتیک خود با ایران در پیش گرفتند اما عضویت این کشور در پیمان آتلانتیک شمالی - ناتو - و تبعیت مقامات سیاسی این کشور از دولت‌های ایالت متحده مانع از این میانه‌روی شد.

اوج این سیاست در ارجاع پرونده هسته‌ای کشورمان به شورای امنیت و اعمال سیاست‌های سختگیرانه تحریمی بر علیه کشورمان در پرونده برجام اتفاق افتاد که این روند با خروج ترامپ از مذاکرات هسته‌ای به اوج خودش رسید و کشور فرانسه را همانند گذشته در مقابل ملت و دولت ایران قرار داد.

